

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۹ جون ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

یاد تو

شب دوباره آمد، و زمان علمبردار صبوری من بود. نجوای تلخ تنهائیم دانه دانه در سبوی سکوت می ریخت و یادهای تو ستاره ستاره در آسمان پندارم می دمید.

بازار صبر

شمع امیدها می سوزد؛ شاخه گل عشق میان گلدان عاطفه پرپر می شود؛ قطره اشکِ جرمان روی خوان رخسارم در تردید ریختن است؛ قلبی از بیم بیکی می تپد؛ گلویی با شگفتن بغض تلخی در جدال است؛ پاهائی یارای ایستادن ندارد؛
چه گونه می توان برای خرید سنگ به بازار صبر رفت؟؟؟

آشنا

آه!

خسته از تکرار واژه های عشق و عاطفه هستم؛

انگار زبان من غریبترین لسانی ست که هرگز کسی به حروف و هجاهایش آشنا نیست!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده)